

# سی سال نفت ایران از ملی شدن نفت تا انقلاب اسلامی

مهندس قباد فخمی

در معرفی این کتاب که در شهریور ۱۳۸۳ در آمریکا و اخیراً در ایران منتشر شد مجله «راه آورد» در آمریکا نوشت: برای کسانی که علاقمند به تاریخ نفت ایران هستند بعد از کتاب «پنجاه سال نفت ایران» نوشته مصطفی فاتح معاون شرکت سابق نفت ایران و انگلیس هیچ کتابی ادامه آن داستان را مانند کتاب «سی سال نفت ایران» پیگیری نمی کند. قباد فخمی از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۴۵ در آبادان زندگی نمود و تمام دوران تحصیل خود از دبستان تا دانشگاه را در این مهم ترین شهر صنعت نفت ایران طی کرد و در سال ۱۳۳۰ همزمان با ملی شدن نفت در ایران به عنوان دانشجویه استخدام شرکت ملی نفت ایران در آمد. در مدت سی سال پر اهمیت ترین دوران صنعت نفت ایران ۱۵ سال در پالایشگاه آبادان و بقیه مدت در اداره مرکزی شرکت ملی نفت در تهران خدمت نمود و از دانشجویی به مقام تنها عضو عالی رتبه شرکت ملی نفت رسید که در قیل و بعد از انقلاب اسلامی در هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران انجام وظیفه نمود.

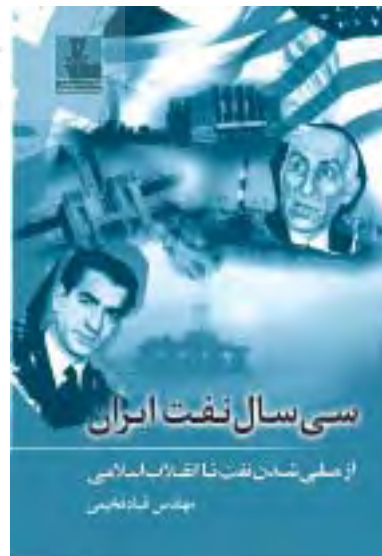
در تهیه این کتاب که نویسنده آن را به نسل جوان ملت ایران تقدیم کرده است، خاطرات خود را شرح می دهد و در طی آن بی پرده پوشی مهم ترین مسائل صنعت نفت ایران و جهان را که شاهد آن بوده است با این امید فاش می کند تا: فرزندان خلف ایران که در آینده رهبری این صنعت را بر عهده می گیرند باقیمانده منابع نفت و گاز ایران را که تنها سرمایه ملت ایران برای عبور از مرز کشوری در حال توسعه به یک کشور پیشرفته است با بهترین استانداردهای صنعتی و اقتصادی مورد بهره برداری قرار دهند.

در فصل اول و دوم کتاب مسائل تبعیض نژادی رفتار شرکت سابق نفت ایران و انگلیس و مبارزات ملی شدن نفت شرح داده می شود و خواننده ملاحظه می کند که چگونه انگلیسی های شرکت سابق نفت در ایران به صورت ارباب و صاحب زندگی می کردند و در همه امور دولت ایران مداخله می نمودند. جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط

شوروی و انگلستان که مورد نفرت ملت ایران بود این خاصیت را داشت که حکومت دیکتاتوری در ایران را از بین برد و از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۹ ایران تحت تسلط خارجی و پس از آن دولتی نیمه آزاد داشت که بیشتر تحت نفوذ انگلستان بود. اما در این دوران با آزادی نسبی استادان دانشگاه و مسئولین وطن پرست به اصلاح کتب درسی مدارس و به خصوص دبیرستان ها اقدام نمودند. این تحول در کتاب های درس تاریخ دبیرستان های داستان دویست سال دخالت روسیه و انگلستان در امور ایران یعنی آنچه را که اروپائیان به آن «بازی بزرگ» می گویند که توسط انگلستان برای تسلط بر ایران و سپر بلا نمودن ایران جهت حفظ هندوستان، با ضعیف و فاسد نمودن دولت ایران از شاه تا کوچک ترین مقامات در زمان سلسله قاجار اجرا کرده بود برای اولین بار در ایران فاش شد.

دانش آموزان جوان از آن حوادث و از دست رفتن تمام مستملکات ایران در قفقاز از آذربایجان تا گرجستان در نتیجه قراردادهای خفت بار ترکمنچای و گلستان و هرات افغانستان در نتیجه گلوله باران بندر بوشهر توسط انگلستان مطلع شده بودند. با حمله غافلگیرانه این کشور به ایران در سال ۱۳۲۰ و به خصوص نابود کردن نیروی دریائی جوان ایران در خرمشهر و کشتن فرماندهان آن ها اشغال ایران از نظر جوانان ایران به خصوص در خوزستان و آبادان تکرار حوادث گذشته بود. بنابراین انگلستان و شرکت سابق نفت نماینده تمام عیار آن دولت در ایران و دشمن شماره یک ایران تلقی می شدند. این احساسات سیاسی ضد انگلستان بعد از استقلال هندوستان که در سال ۱۹۴۸ با رهبری صلح جویانه مهاتما گاندی انجام شد شدیدتر شده بود و تقریباً همه جوانان ایران را آماده اقدامی علیه انگلستان نموده بود.

در فصل سوم داستان نفت ایران و جریان تحول قراردادهای نفتی شرح و نشان داده می شود. بعد از پایان جنگ دوم جهانی این قراردادها از حالت امتیازی که نرخ مشخص





طرفداران انگلستان و شاه بود ولی از ترور رزم آرا در وحشت بودند به دکتر محمد مصدق، که تا آن تاریخ چندین بار از قبول پست نخست وزیری امتناع کرده بود، پیشنهاد نخست وزیری نمود. اکثریت مجلس انتظار داشتند دکتر مصدق یک بار دیگر از قبول مسئولیت خودداری کند تا آن‌ها کاندید مورد نظرشان سید ضیاءالدین طباطبائی نخست وزیر گرداننده کودتای ۱۲۹۹ را بار دیگر مصدر کار نمایند. اما دکتر مصدق که سیاستمداری پابرجا، اصولی و باهوش بود و متوجه نقشه آن‌ها شده بود، در میان شگفتی کامل همه نمایندگان مجلس و تماشاچیان بدون تردید اعلام کرد اگر مجلس شورای ملی قانون ملی شدن نفت و خلع پد از شرکت سابق نفت را تصویب نماید پست نخست وزیری را بر عهده خواهد گرفت. مانور تاریخی دکتر مصدق کار ملی شدن نفت را تمام کرد و دیگر راهی برای بازگشت وجود نداشت و ملت ایران حرکت هم آهنگ خود را به طرف بزرگ‌ترین قیام ملی، سیاسی و اقتصادی خود آغاز کرده بود.

ملی شدن نفت ایران که برای اولین بار یک کشور جهان سوم طوق استعمار امپراتوری انگلستان را پاره نمود بود و ملت

هرگز تصور نمی کردند ایران و ایرانی چنان شهامت و اتحادی داشته باشند تا در مقابل خواسته های ارباب بزرگ مقاومت نمایند، با قرارداد الحاقی بدترین پیشنهاد را در بدترین وقت به دولت ایران دادند و دولت آن را برای تصویب به مجلس در وقتی ارائه کرد که چند روز بیشتر از عمر مجلس پانزدهم باقی نماند بود. مسأله نفت همراه با دلنگی عمیق مردم ایران از رفتار دولت انگلستان با پیگیری جوانان ایران یک باره مانند طوفانی پرتلاطم تبدیل به یک مبارزه ملی شد و موج احساسات عمومی را در سراسر کشور بر ضد شرکت سابق نفت و سیاست های استعماری انگلستان به حرکت در آورد.

لایحه الحاقی با مقاومت سرسختانه اقلیت پنج نفره روبرو شد و آن‌ها با استفاده از کمک کارشناسان ایرانی و مقررات مجلس به سخنرانی های خود تا پایان دوره مجلس پانزدهم ادامه دادند و مانع تصویب لایحه الحاقی گردیدند.

انتخابات مجلس شانزدهم که با تقلب و صحنه سازی اجرا شده بود در تهران با مقاومت مردم روبرو شد و باطل شد. انتخابات مجدد مجلس شانزدهم با آزادی بیشتر در تهران انجام و در نتیجه دکتر محمد مصدق و یارانش از طرف مردم تهران انتخاب شدند و لایحه الحاقی به کمیسیون مخصوص نفت با شرکت ۱۸ نفر از وکلای مجلس به ریاست دکتر مصدق احاله شد. با تحول وضع سیاسی کشور مذاکرات کمیسیون به طرف مردود دانستن لایحه الحاقی در جریان بود، اما ترور سرلشکر رزم آرا نخست وزیر جدید در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ که به امید تصویب لایحه الحاقی مصدر کار شده بود، ناگهان روند ملی شدن نفت را سرعت بخشید و بالاخره مجلس شورای ملی در ۲۴ و مجلس سنا در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ (روز ملی شدن نفت) گزارش کمیسیون مخصوص را برای ملی شدن نفت تصویب نمودند.

در هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰ در تعقیب استعفای حسین علاء نخست وزیر، مجلس شورای ملی که اکثریت آن در دست

ناچیزی برای تولید هر تن نفت خام به کشورهای تولیدکننده پرداخت می شد به قراردادهای تقسیم بالمناصفه ۵۰/۵۰ درآمد فروش نفت بعد از کسر هزینه تغییر نمودند. برای اولین بار کشور ونزویلا که همیشه در تحولات صنعت نفت پیشقدم است در سال ۱۹۴۸ موفق به کسب این قرارداد از شرکت های نفت آمریکائی فعال در آن کشور شد. در مدت کوتاهی پس از آن همه کشورهای نفت خیز خلیج فارس که شرکت های آمریکائی در فعالیت های نفتی آن‌ها مشارکت داشتند ابتدا عربستان سعودی در ۱۹۵۰ (۹ دی ۱۳۲۹) و بعد عراق و کویت که شرکت سابق نفت ایران هم در آن‌ها شریک بود در سال ۱۹۵۱ به قراردادهای ۵۰/۵۰ ملحق شدند و فقط ایران باقی مانده بود که شرکت سابق نفت در آنجا تنها سهامدار بود و به اتکاء قدرت و نفوذی که در ایران داشت از قبول قرارداد جدید خودداری می کرد.

این تحولات در حالی صورت می گرفت که از سال ۱۹۴۶ بعد از پایان یافتن غائله جدائی آذربایجان و عدم موافقت با قرارداد نفت مورد تقاضای شوروی، مجلس ایران دولت را مکلف به کسب حقوق واقعی ایران از شرکت سابق نفت کرده بود. از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۹ نخست وزیران متعدد ایران برای این منظور با شرکت سابق نفت و دولت انگلستان که ۴۰ درصد سهام آن شرکت را در اختیار داشت بدون موفقیت مذاکره کرده بودند. بالاخره در ۲۶ تیر ۱۳۲۸ در زیر فشار انگلستان و حمایت شاه موافقت نامه ای بنام قرارداد الحاقی که گلشائیان وزیر دارائی ایران و گس نماینده شرکت سابق نفت امضاء نموده بودند و قرارداد گس - گلشائیان معروف شد توسط دولت نخست وزیر ساعد برای تصویب به مجلس پانزدهم ارائه شد. این لایحه الحاقی به هیچ وجه مزایای قراردادهای ۵۰/۵۰ را در نظر نگرفته بود و درآمد ایران افزایش بسیار کمی نسبت به قرارداد موجود داشت که اصلاً قابل مقایسه با مزایای قراردادهای ۵۰/۵۰ نبود.

دولت انگلستان و شرکت سابق نفت که

شدن نفت دشوارتر شد و به بن بست رسید. بن بستى که دکتر مصدق امیدوار بود با انجام رفراندوم و رأی ملت آن را از بین ببرد و قدم نهائی برای اصلاح قانون انتخابات را بردارد. اما برای امپراتوری انگلستان که به تازگی با بیداری مردم هند آن کشور را از دست داده بود و می دید که ایران نیز دارد بهمان راه می رود و همچنین برای آمریکا که منابع نفتی خلیج فارس را شاهراگ بازسازی جهان غرب، ژاپن و اقتصاد آمریکامی دانست، نگرانی از اقدامی که منجر به راه یافتن نمایندگان واقعی ملت می گردید و اولین مجلس وابسته به ملت را در خلیج فارس و خاورمیانه پایه گذاری می نمود بیش از ملی شدن نفت خطرناک بود و آن ها را مصمم نمود تا دیر نشده مانع چنین تحولی بشوند. آنچه که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر ایران گذشت تا برای اولین بار در تاریخ ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران، پادشاهی تاج و تخت خود را رسماً مدیون خارجیان بداند و حکومت خودکامه ای بوجود آورد که مجلس و دولت را عملاً تعطیل کند بوضوح نشان دهنده صحت تصمیم دکتر مصدق در هم تراز نمودن اصلاح قانون انتخابات با قانون ملی شدن نفت می باشد.

کتاب سی سال نفت ایران استنباطات غلطی که در نتیجه تبلیغ و اطلاعات انحصاری شرکت سابق نفت مطرح است را رد می کند. نشان می دهد که زمان به نفع ایران در حال تغییر بود، سیاست اقتصاد بدون نفت نتیجه بخش شده بود. کشورهای عراق، کویت و عربستان سعودی به طور ضربتی تمام ظرفیت اضافی تولید نفت خود برای جانشین نمودن ایران و افزایش مصرف فوق العاده جهان در ۲۸ ماه پس از توقف تولید ایران بکار گرفته بودند. ایجاد ظرفیت جدید تولید حداقل محتاج چهار سال فرصت بود، یعنی بعد از ۲۸ ماه غیر از منابع نفت ایران محلی برای تولید فوری وجود نداشت. پالایشگاه نفت آبادان در دنیا نظیر نداشت و فرآورده های تولیدی آن به آسانی قابل جانشینی نبود. حتی وینستون چرچیل

مملکت بر چیدم.... به نهضتی که ملت ایران بر پا کرده بود و احساساتی که این ملت از خود ابراز نمود اتکاء کردم و همه جا دولت انگلستان را مغلوب نمودم.... من انگلیس را از ایران اخراج کردم».

مخالفین ملی شدن نفت تمام تیغ تیز حملات خود را بر دو هدف فرود می آورند. اول این که در دوران ۲۸ ماه حکومت دکتر مصدق روند اقتصاد ایران موجب تورم و نارضایتی مردم را فراهم نمود و دوم به علت تحریم انگلستان ایران موفق به صدور نفت نشد و امید درآمد روزانه ۲۰۰ هزار لیره در روز از بین رفت.

این قبیل مغرضان سرسختانه تبلیغ می کنند که ملت ایران را گروهی تن پرور تشکیل می دهند که در ملی شدن نفت هیچ هدف و برنامه دیگری جز دسترسی به درآمد دویست هزار لیره در روز نداشتند. این افراد مایل نیستند بپذیرند که قبل از ملی شدن نفت درآمد جاری ۱۶ میلیون لیره در سال هیچ ارتباطی با زندگی روزمره مردم نداشت که از دست رفتن آن موجب بهم خوردن زندگی آن ها شود.

ملی شدن نفت اصلاً خواب آشفته نبود اکثریت ملت ایران نه طبقه مرفه آن از اوک می دانستند مبارزه با امپراتوری انگلستان و خارج کردن مالکیت نفت ایران از چنگال آن کشور به آسانی امکان پذیر نیست و مبارزه ای درازمدت مانند مبارزات استقلال هندوستان لازم است تا این امر مهم را که به استقلال و آزادی ملت ایران مرتبط می شود به انجام برساند. دکتر مصدق به سهم خود حاضر شده بود و تا آخرین مرحله نیز نشان داد مانند مهاتما گاندی آماده بود تا در راه ریشه کن کردن نفوذ انگلیس در ایران جانفشانی کند.

دکتر مصدق می دانست بدون آزادی، حکومت مردمی و دمکراسی، ملی شدن نفت بی نتیجه است. اما هدف دوم دکتر مصدق یعنی اصلاح قانون انتخابات و انجام یک انتخابات آزاد با وجود شاه که عاشق قدرت بود و فرماندهان ارتش که در سراسر کشور گوش به فرمان شاه بودند از پیش برد ملی

ایران متحد در جهت دفاع از استقلال و آزادی قیام و سرنوشت خود بدست گرفتند اثرات فوق العاده در خاورمیانه، آفریقا و همه مستملکات انگلستان به خصوص در کشور مصر داشت که با تظاهرات بی نظیر از دکتر مصدق در وقت بازگشت از شورای امنیت در قاهره استقبال نمودند.

دکتر مصدق از ابتدای شروع کار خود به عنوان نخست وزیر، برنامه کار دولت خود را به دو مطلب اساسی: رسیدگی به کار نفت و اصلاح قانون انتخابات محدود نمود. با محدود نمودن برنامه دولت به این دو امر اساسی دکتر مصدق نشان داد که قصد تصدی طولانی نخست وزیری را ندارد و دولت او دولتی است که بیش از هر چیز به حل و فصل دائمی معضلات سیاسی که به مسأله نفوذ انگلستان در ایران مربوط می شود توجه دارد. دکتر مصدق امیدوار بود اگر بتواند قانون ملی شدن نفت را بدرستی به انجام برساند و قانون انتخابات را به صورتی اصلاح نماید که مردم بتوانند بدون دخالت شاه، ارتش، مالکین، فئودال ها و سایر عوامل وابسته به انگلستان و سایر دولت های خارجی نمایندگان خود را انتخاب کنند ایده های حکومت مردم بر مردم چنان استوار می شود که نفوذ خارجی و حکومت دست نشانده آن ها برای همیشه ریشه کن خواهد شد.

راز محبوبیت پایان ناپذیر دکتر مصدق که عیبرغم تبلیغات مخالفین هنوز ادامه دارد در آن بود که خواسته ملی مردم برای آزادی و استقلال را با تمام وجود احساس کرده بود و می دانست هر نوع مصالحه خارج از چهارچوب قانون ملی شدن نفت اثرات سیاسی اجتماعی قیام ملت ایران را نفی می نمود و کارت سمبزی به انگلستان و دولت های خارجی دیگر می داد تا در امور ایران مداخله نمایند. خود دکتر مصدق در دادگاه محاکمه نظامی بعد از کودتای ۲۸ مرداد می گوید: «تنها گناه و بزرگ ترین گناهم این بود که صنعت نفت ایران را ملی کردم و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم ترین امپراتوری جهان را از



نخست وزیر انگلیس اعتراف کرد از دست دادن پالایشگاه آبادان ۳۰۰ میلیون دلار در سال ضرر به خزانه دولت انگلیس می زند. کتاب روزهای پرافتخار نوشته عبدالرضا هوشنگ مهدوی به استناد اسناد محرمانه تازه آزاد شده دولت انگلستان ذکر می کند پالایشگاه آبادان بقدری اهمیت داشت که انگلستان طرح محرمانه ای به نام دزد دریائی (طرح گورزاد) تهیه می نماید تا با اعزام نیروی نظامی پالایشگاه آبادان را تصرف و با تأمین نفت خام از کویت از آن بهره برداری کنند.

وقتی پس از ۲۸ ماه مبارزه برای تحریم فروش نفت ایران و امید به سقوط دولت دکتر مصدق به علت استقامت ملت ایران بدون درآمد نفت به جایی نمی رسد. شرکت های معظم نفت که تمام امکانات خود را برای شکست ایران بکار گرفته بودند زمین گیر می شوند و دیگر شگردی ندارند بازی کنند. به نظر می رسد مقاومت ایران ثمربخش بوده و دیوار پر قدرت تحریم شرکت های نفتی و دولت هایشان به دور ایران ترک برمی دارد، شرکت های نفت کوچک ایتالیائی، ژاپنی، آسیائی، اروپائی و حتی آمریکائی در صدد بر می آیند امکانات خرید نفت از ایران را جداً بررسی کنند و تأمین ۱۶ میلیون لیره پرداختی شرکت سابق نفت در دسترس قرار می گیرد کودتای بد فرجام ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسط انگلستان ترتیب داده می شود و بدست آمریکا اجرامی گردد تا به بهانه از دست رفتن درآمد نفت و فشار اقتصادی ملت ایران را از دسترسی به آزادی و دموکراسی محروم دارند. اما اگر وزیر امور خارجه آمریکا در ظاهر در زمان ریاست جمهوری کلینتون از اقدام آمریکا معذرت خواهی نمود، انگلستان که مسبب اصلی کودتا بود نه تنها عذرخواهی نکرده است بلکه بی بی سی هنوز بر علیه آن تبلیغ می کند.

بهترین دلیل برای مناسب شدن شرایط روز برای فروش نفت ایران آن است که فقط سه سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد شرکت نفت آجیب ایتالیا عضو گروه دولتی انی و بزرگ ترین شرکت نفت آن کشور قراردادی

کتاب به آن ها اشاره می شود شاه را به تدریج به امور بازرگانی و بین المللی نفت علاقمند نمود تا او بیش از توجه به وضع کشور یک کارشناس نفتی شود.

کنسرسیوم در مذاکرات عقد قرارداد تمام امتیازاتی را که قبلاً در مذاکره با دکتر مصدق به ایران داده بود پس گرفت و کوشش هیئت نمایندگی ایران به جایی نرسید. قرارداد کنسرسیوم در ظاهر و در نسخه فارسی قرارداد ملی شدن نفت را بصورتی برای فریب ملت ایران مراعات می کند و مثلاً نفت در مالکیت ایران است و در سر چاه به کنسرسیوم واگذار می شود ولی اصل قرارداد به زبان انگلیسی مرجع بود در آنجا ملی شدن مطرح نبود و مالکیت نفت تا سال ۱۹۷۳ که قرارداد جدید مبادله شد متعلق به کنسرسیوم بود.

در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ طبق ماده پنجم قانون اجرای اصل ملی شدن صنعت

برای تقسیم درآمد به نسبت ۲۵/۷۵ به نفع ایران مبادله کرد و نه تنها نشان داد شرایط ملی شدن نفت ایران برای پرداخت حداکثر ۲۵ درصد درآمد برای غرامت شرکت سابق نفت منصفانه و عملی بود، بلکه ثابت کرد دوران قراردادهای ۵۰/۵۰ به سر رسیده و ادامه آن ها دوامی نخواهد داشت.

فصل پنجم کتاب درباره قرارداد کنسرسیوم بین المللی نفت که بعد از کودتا جانشین شرکت سابق شد می باشد و ذکر می کند چون شاه ایران شخصاً عامل آمریکا شده بود این کنسرسیوم منحصرأ به امور بازرگانی مشغول بود و هفت شرکت معظم نفت عضو کنسرسیوم مسائل سیاسی را با شاه و امور فنی را با شرکت ملی نفت ایران حل و فصل می کردند. دولت آمریکا به شاه توصیه کرده بود «علیه کنسرسیوم ژست تهدید بگیرد و نشان بدهد کنسرسیوم از او اطاعت نمی کند». همین ژست های تهدید که در



پیروزی در جنگ همه از پیش توافق شده بود تا قدم نهائی برای صلح و سفر او به اسرائیل برداشته شود. اما اقدامات جناح تندرو مخالف صلح موجب شد نیکسون، سادات، شاه ایران و ملک فیصل پادشاه عربستان بازندگان این جنگ معرفی شوند. علاوه بر آن سیاست های تفرقه انگیز مدیریت شاه و اثرات گزارشات شرفرضی در کل کشور و در صنایع نفت و مدیریت آن صنعت در این کتاب مطرح و نشان داده می شود با بی توجهی شرکت ملی نفت از کارفرمای درجه اول به بیست و هفتم سقوط و همراه آن از جذب متخصصین تراز اول محروم گردید و این اتفاق بیش از همه در

رئیس جمهور آمریکا عامل اصلی بالا بردن قیمت نفت در سال ۱۹۷۱ و ۱۹۷۴ بود و در هر دو مورد کارشناسان شرکت ملی نفت ایران با ارزیابی گزارشات در سال ۱۹۶۹ و انجام اولکین و تنها مزایده فروش نفت در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ بالا رفتن قیمت و میزان تقریبی قیمت آینده نفت را تعیین کرده بودند. اما در حالی که ایران در تحریم نفتی آمریکا در جنگ ۱۹۷۳ که بالا رفتن قیمت نتیجه آن بود شرکت نکرد، شاه ایران ندانسته و خودپسندانه خود را عقاب اوپک معرفی نمود که در کتاب سی سال نفت ایران به معایب و مشکلات درازمدت این ادعا، که ادامه همان تهدیدهای کنسرسیوم بود، اشاره می شود.

نفت شرکت ملی نفت ایران تأسیس گردید. در مذاکرات کنسرسیوم کوشش آن ها برای حذف شرکت ملی نفت و کنترل تمام تأسیسات نفت ایران ناموفق ماند و در نتیجه تأسیسات توزیع و فروش داخلی نفت همراه با پالایشگاه کهنه و کوچک کرمانشاه و منطقه نفت خیز کوچک و تقریباً از کار افتاده نفت شاه با دریافت غرامت جالب توجه به شرکت ملی نفت داده شد. اما اگر کودتای ۲۸ مرداد ملت ایران را از پیروزی محروم نمود نهضتی بوجود آورد که منجر به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ گردید و فرزندی به نام شرکت ملی ایران پایه عرصه وجود گذاشت که به برکت استفاده از امکانات متخصصین ایرانی پالایشگاه آبادان و مناطق نفت خیز جنوب به سرعت سیر ترقی راطی و شرکتی در معیار شرکت های نفتی بین المللی شد.

در مدت پانزده سال پس از ملی شدن نفت، کارشناسان گمنام ایرانی در همه موارد به خصوص در زمینه امور بین المللی و بازرگانی نفت که در حقیقت در دوران جدید مهم ترین عامل قراردادها و درآمد عملیات است پیشرفت فوق العاده نمودند و همگام با توسعه عملیات در داخل کشور موفق به انجام طرح های تصفیه و توزیع در خارج از کشور شدند. کتاب سی سال نفت ایران سعی می کند این بخش از عملیات را که جنبه آموزشی دارد با تفصیل و نمونه شرح و نشان دهد چگونه سیاست های سرمایه گذاری در خارج مرتباً تحت بررسی بود و این کارشناسان در دهه ۱۹۷۰ که سیل پیشنهادات مختلف به ایران سرازیر بود با صبر و دقت مانع میلیاردها دلار سرمایه گذاری بی حاصل شدند.

نویسنده کتاب سی سال نفت ایران از پایه گذاران امور بین المللی شرکت ملی نفت ایران است و در فصل نهم و دهم به تفصیل درباره بالا رفتن قیمت نفت در جهان در سال های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۴ که آن را «نمایش بالا رفتن قیمت نفت» نامیده است توضیح می دهد. مطالب مطرح شده در این کتاب نشان می دهد که چگونه ریچارد نیکسون



کتاب علوم انسانی و مطالعات فرسنگی

اخیراً بر اساس مدارک محرمانه تازه منتشر در مجله میدل ایست جورنال فاش می شود برای تقلیل قیمت نفت اقداماتی برای متزلزل شدن ایران صورت گرفت که تأییدی بر پیش بینی نویسنده به خصوص در فصل سیزدهم بخش مربوط به پالایشگاه مشترک ایران - آمریکا برای صادرات فرآورده های نفتی به آمریکا می باشد.

این کتاب همچنین به استناد مطالب منتشر شده در کتاب خاطرات علم وزیر دربار شاه ایران - که در چاپ فارسی به طور پراکنده ذکر شده و خلاصه انگلیسی آن واضح تر است - و سایر رسانه های گروهی شرح می دهد چگونه جنگ اکتبر ۱۹۷۳ مصر با اسرائیل و تبدیل انور سادات به قهرمان

سازمان پخش و فروش داخلی (فصل هیجدهم) که در تماس مستقیم با ملت ایران است و باید بهترین خدمات را ارائه کند بیش از بقیه مشهود است.

شاه ایران که خود را حافظ منافع آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند می دانست بیش از هر چیز بخیرید تسلیحات نظامی که قسمت اعظم بودجه ایران را مصرف می کرد توجه داشت و در این مورد نیکسون به وزارت دفاع آمریکا دستور داده بود تا تمام تسلیحات مورد نظر شاه ایران جز سلاح های هسته ای بدون رسیدگی کنگره آمریکا به ایران فروخته شود. اما وقتی قیمت نفت به ۱۲ دلار هر بشکه رسید، مجله میدل ایست جورنال شرح می دهد دونالد رامزفیلد وزیر

چکیده گزارشات، کتاب‌ها، مقالات و مذاکرات جالب توجه را مانند مصاحبه شاه با مایک والاس گزارشگر برنامه «شصت دقیقه» کانال ۲ تلویزیون آمریکا، بازدید خانم تاجر رئیس حزب محافظه کار و نخست وزیر آینده انگلستان و آخرین مذاکرات با کنسرسیوم بین المللی نفت در تهران را بررسی می‌کند و خواننده را از شرایط سیاسی روز مطلع می‌نماید.

مسائل مربوط به آلودگی محیط زیست به خصوص در تهران و مصرف افسار گسیخته فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی در کشور همراه با ضرورت بازسازی پالایشگاه‌های ایران برای افزایش بهره دهی و تولید حد اکثر فرآورده‌های سبک به میزان ۹۵ درصد که در طرح پالایشگاه افریقای جنوبی با مشارکت ایران عملی شده است می‌تواند با کمک استفاده از گاز طبیعی فشرده (سی ان جی) نیازمندی‌های بازار داخلی را تأمین کند در این کتاب مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. شرکت ملی تصفیه و توزیع بازار داخلی باید با کاربرد سیستم‌های اندازه گیری الکترونیکی که در طراحی تأسیسات در نظر گرفته شده از هر نوع قاچاق فرآورده‌های نفت و هدر رفتن آن‌ها بیش از استاندارد بین المللی جلوگیری کند تا تمام تولیدات پالایشگاه‌های جدید که با هزینه‌های گزاف ساخته می‌شوند برای صادرات و افزایش درآمد ایران استفاده شوند.

صرفه جوئی در مصرف فرآورده‌های نفتی باید توسط سازمان‌های ذیربط شرکت ملی نفت با برنامه‌های آموزشی و تشویق در خانه و مدرسه شروع و تا شورای‌های محلات منطقه مسکونی و شهرها تعلیم داده شود. کسب همکاری عمومی مردم در سطح کشور برای صرفه جوئی در مصرف نفت و گاز که حفاظت ثروت ملی و موجب جلوگیری از آلودگی محیط زیست و بیماری کودکان می‌گردد از ارجحیت تراز اول برخوردار است و از مسائل مهم مطرح شده در این کتاب می‌باشد.

حد اکثر تولید بود. اما بعد از شروع کار هوشنگ انصاری در سمت مدیر عامل شرکت ملی نفت که همزمان با شروع تحولات سیاسی بود بی مقدمه این موضوع مطرح و مسأله فعالیت آینده شرکت ملی نفت مورد توجه شدید مدیر عامل جدید قرار گرفت. ولی بجای آن که مطالعات درباره انواع انرژی‌های جانشین باشد موضوع عملیات غیرنفتی ابتدا با ایجاد شرکت جدید توزیع مواد نفتی و بعد خرید فروشگاه‌های مواد غذایی و عمومی مطرح شد و بالاخره معلوم شد هدف اصلی فروش اموال غیرمنقول بنیاد پهلوی، هتل‌ها و تأسیسات جزیره کیش به شرکت ملی نفت و منقول



کردن اموال شاه بود که البته با درایت کارشناسان شرکت عملی نشد.

نویسنده از اوایل سال ۱۳۵۷ تا تابستان ۱۳۵۹ عضو هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران، معاون مدیر پالایش و سرپرست مدیریت پخش و فروش داخلی، خطوط لوله و مخابرات بود و به دقت مسائل این سازمان‌ها در کتاب مطرح می‌شوند. علاوه بر مطالب ذکر شده در فوق تحولات سال‌های قبل از انقلاب اسلامی ایران همکاری‌های نفتی با کشور سنگال، کره جنوبی، شرکت نفت اکسیدنتال و قرارداد تأسیس شرکت مهندسی و ساختمان ایران با مشارکت شرکت آمریکائی بکتل که نشان دهنده وضع سیاست ملی کشور بودند را در فصول مختلف پیگیری و ذکر می‌کند و

دفاع فورد (وزیر دفاع آمریکا در شروع جنگ عراق) دستور داده بود قیمت فروش به ایران دو تا سه برابر شود تا تلافی بالا بردن قیمت نفت باشد. ولی وقتی پس از قرارداد جدیدی که در مرداد ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) مبادله شد کنسرسیوم از سال ۱۹۷۵ تولید نفت ایران را تقلیل داد و یک سال پس از شکوفائی اقتصادی ایران در سال ۱۳۵۵ ایران گرفتار بحران مالی شد و وضع خرید اسلحه از آن هم بدتر شد. در بخش معاملات تهاتری خرید اسلحه با نفت (فصل چهاردهم) شرح داده می‌شود که چون شرکت‌های نفتی معرفی شده از طرف وزارت دفاع آمریکا خواستار تقلیل بیش از حد بودند از طرف وزارت دفاع ایران طرحی

بنام کاموفلاژ تهیه می‌شود که معادل اختلاف قیمت مورد نظر شرکت ملی نفت و قیمت مورد نظر شرکت‌های نفتی که میلیاردها دلار می‌شده قیمت فروش اسلحه اضافه شود و بعد وزارت دفاع آمریکا آن را به شرکت‌های نفتی بدهد تا موجب ورشکستگی ایران شود. فصل چهاردهم همچنین شامل عملیات غیرنفتی شرکت ملی نفت ایران است و نشان می‌دهد به دلایل سیاسی در سال ۱۳۵۲ که وقت مذاکرات مبادله قرارداد جدید با کنسرسیوم بود در میان بهت و حیرت کارشناسان شرکت ملی نفت به دستور شاه گزارشی تهیه شده توسط کنسرسیوم درباره پایان یافتن عمر منابع نفت ایران منتشر شد (فصل نهم) ولی بعد از مبادله قرارداد سال ۱۹۷۳ صحبتی در این باره نمی‌شد و شاه طبق معمول خواستار